

افزایش هوش مالی

به روش رابرت کیوساکی (بخش اول)



همگی مردم دنیا چه فقیر و چه ثروتمند مشکل مالی دارند. بسیاری فکر می کنند اگر پول زیادی داشته باشند مشکلات مالی آنها تمام می شود در حالیکه اینطور نیست و پول بیشتر مسائل مالی بیشتری را به دنبال دارد. پول، تحصیلات، داشتن یک شغل و... مشکلات مالی را برطرف نمی کند. بلکه این ((هوش مالی)) است که مشکلات مالی را برطرف می کند. گروه میلیاردر جوان در راستای رسالت خویش که آموزش ثروت آفرینی برای کلیه هموطنان می باشد مجموعه ((افزایش هوش مالی به روش رابرت کیوساکی)) را در پنج کتاب الکترونیکی آماده کرده است که می توانید آن را از سایت گروه و یا دیگر سایتهای معتبر دانلود کتاب، دانلود کنید. این مجموعه برداشتی بومی شده از کتاب معروف رابرت کیوساکی به نام ((هوش مالی خود را افزایش دهید)) می باشد. دوستان گرامی! چنانچه این کتاب ها را موثر یافتید آنها را برای دیگر دوستان نیز به اشتراک بگذارید تا فرهنگ ثروت آفرینی را در کشور گسترش یابد.

گروه میلیاردر جوان

www.miliarder.com

آموزش ثروت آفرینی

تماس با ما:

info@miliarder.com

miliarderha@yahoo.com



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

همگی مردم دنیا چه فقیر و چه ثروتمند مشکل مالی دارند. بسیاری فکر می کنند اگر پول زیادی داشته باشند مشکلات مالی آنها تمام می شود در حالیکه اینطور نیست و پول بیشتر مسائل مالی بیشتری را به دنبال دارد (نویسنده: به خاطر دارم در مقطعی آنچه که درآمد داشتم فقط به اندازه هزینه هایم بود و پولی برای پس انداز کردن نداشتم ولی از لحاظ فکری راحت زندگی می کردم و مدتی بعد از یکی از کارهایی که قبلا انجام داده بودم پول خوبی بدستم رسید و برای مدتی خواب و خوراک را از من گرفت. چرا؟ چون باید تصمیم می گرفتم آن پول را در چه جایی سرمایه گذاری کنم تا ارزش آن کم نشود و بتواند ثروت بیشتری نیز تولید کند و این دغدغه بزرگی برای کسانی که سرمایه دارند می باشد).

پول به تنهایی مشکلات مالی شما را حل نمی کند. تحصیلات هم مشکلات مالی را حل نمی کند. داشتن یک شغل هم مشکلات مالی را حل نمی کند. شاید می پرسید پس چه چیزی مشکلات مالی را حل می کند؟ جواب سؤال شما ((هوش مالی)) است.

هوش مالی مشکلات مالی را برطرف می کند. هوش مالی بخشی از هوش کلی ماست که برای حل مشکلات مالی از آن استفاده می کنیم.

مشکلات مالی رایج در دنیای امروز، تطبیق نداشتن درآمدها و هزینه های زندگی، نداشتن خانه شخصی، بدهکاری، هزینه های ماشین، هزینه های بهداشتی و درمانی و... است که با استفاده از هوش مالی می توان آنها را برطرف کرد. اگر هوش مالی را در خود تقویت نکنیم روز به روز مشکلات وخیم تر می شوند و شرایط روز به روز سخت تر. واقعیت این است که پول تاثیر به سزایی بر سبک زندگی و کیفیت زندگی دارد. پول آسایش می آورد، آزادی زمانی و آزادی انتخاب می آورد. ولی بدست آوردن پول به تنهایی اگر با استفاده از هوش مالی نباشد منجر به ثروتمند شدن نمی شود.

این نکته را باید در نظر داشت که اگر بتوانید مشکلات مالی را حل کنید هوش مالی شما رشد می کند و وقتی هوش مالی رشد کند ثروتمند تر می شوید و برعکس اگر مشکلات مالی را حل نکنید روز به روز فقیر تر می شوید.

علت فقر

فقر حاصل غرق شدن یک شخص در مسائلی است که نمی تواند آنها را حل کند. تمام دلایل فقر مشکلات مالی نیستند. اعتیاد، ازدواج با فرد نامناسب، نداشتن مهارت کاری و مشکلاتی از این دست نیز می تواند دلایل فقر باشد.

برخی از مشکلات مالی امروزه، نظیر بدهی های بیش از حد و دستمزد پائین، ناشی از شرایطی است که برطرف نمودن آنها خارج از توان یک فرد است و معضلاتی است که مربوط به دولت و سیاست گذاریهای ضعیف اقتصادی و رانتهایی که در اقتصادها وجود دارد می باشد.

پس باید به گونه ای هوش مالی خود را تقویت کرد تا در مهلکه ای که روز به روز عرصه بر انسانها در کلیه جوامع تنگ تر می شود و فقر و رکود گستره بیشتری می یابد، بتوان به آزادی مالی دست پیدا کرد.

تغییر قوانین پول در دنیای امروز

در سال ۱۹۷۱ ریچارد نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا، با یک سیاست اقتصادی اشتباه، پشتوانه طلا را از چاپ پول جدید کنار زد و موجب تغییر در قوانین پول گردید.

این سیاست موجب گردید که پول ارزش خود را از دست بدهد و ارزش آن به در جریان بودن پول وابسته باشد. به عبارت دیگر با توجه به سیاستهای اقتصادی موجود دنیا و تغییر قوانین قدیمی پول، پس انداز کردن پول منجر به کاهش ارزش پول می شود و لازم است تا هر گونه نقدینگی به جای پس انداز کردن تبدیل به دارائی (ASSET) گردد.

در حالیکه در قوانین قدیمی پول، پس انداز کردن پول جایگاه خاصی در بین مردم داشت و نشان دهنده هوش مالی بود. ولی در قوانین جدید، دیوانگی مالی محسوب می شود.

در دنیای کنونی تبدیل فوری پول به دارائی و تبدیل یک دارائی به دارائی دیگر نشان دهنده میزان هوش مالی می باشد.

وقتی خانه گران می شود یا قیمت طلا بالا می رود و یا قیمت های سهام در بازارها رشد می کند معنی آن این است که ارزش پول کاهش پیدا کرده است و درآمد افراد با کاهش ارزش پول کاهش می یابد.

نویسنده: با توجه به شرایط کنونی که بسیاری از مسائل و مشکلات اقتصادی در کشورهای مختلف منجمله ایران شرایط مشابهی پیدا کرده اند تبدیل نقدینگی به دارائی پایدار که بتواند درآمد و ارزش افزوده ایجاد کند، به هوش



مالی بالا نیاز دارد که خوشبختانه بدست آوردن هوش مالی بالا می تواند با آموزش به یک مهارت در افراد تبدیل شود.

چگونه ثروتمندان روز به روز ثروتمند تر می شوند؟

کلید ثروتمند شدن در این است که تشخیص دهید سیستم تغییر قوانین پول نا عادلانه است. قوانین را یاد بگیرید و از آنها به نفع خود استفاده کنید.

این کار نیازمند هوش مالی است و هوش مالی را باید با حل کردن مشکلات مالی بدست آورد. ثروتمندان مشکلات مالی را بعنوان فرصتی برای یادگیری می بینند. فرصتی برای رشد، فرصتی برای باهوش شدن و فرصتی برای ثروتمند شدن.

ثروتمندان به جای گریختن، دوری کردن یا تظاهر به اینکه مشکلات مالی اصلا وجود ندارند به مشکلات مالی خوش آمد می گویند چون می دانند در مشکلات مالی فرصتهائی هست که در آن می توانند باهوش تر شوند و در نتیجه ثروتمند تر شوند.

فقرا چگونه با مشکلات مالی برخورد می کنند؟

فقرا مشکلات مالی را تنها بصورت همان مشکل می بینند. بسیاری از آنها احساس می کنند قربانی پول شده اند. بسیاری فکر می کنند تنها شخصی هستند که مشکل مالی دارند. تنها تعداد کمی از آنها می فهمند که مشکلات مالیشان ناشی از نحوه نگریشان است. ناتوانی آنها در حل مشکلات مالی و یا اجتناب از مقابله با آن باعث شده مشکلات مالی آنها بیشتر و بیشتر شود. و به جای اینکه هوش مالی خود را افزایش دهند مشکلات مالی خود را افزایش می دهند.

نحوه برخورد قشر متوسط با مشکلات مالی

فقرا قربانیان پول هستند و قشر متوسط زندانیان پول. قشر متوسط به جای اینکه مشکلات مالی خود را حل کنند، فکر میکنند می توانند در برابر مشکلات مالی زرنگی به خرج دهند. آنها پول خرج می کنند و به دانشگاه می

روند تا بتوانند شغلی مطمئن پیدا کنند.

اکثر آنها اینقدر باهوش هستند که بتوانند پول درآورند و جلوی مشکلات مالیشان یک سد ایجاد کنند. آنها خانه ای می خرند، هر روز به سر کار خود می روند و از طریق سهام یا اوراق مشارکت برای دوران بازنشستگیشان پس انداز می کنند.

اینگونه افراد در سن ۵۰ سالگی کشف می کنند که در دفتر کار خود زندانی هستند. آنها کارمندانی با ارزش و با تجربه هستند. امنیت شغلی دارند و شاید پول کافی به دست می آورند. ولی در عمق درون خود می دانند که از لحاظ مالی به دام افتاده اند و فاقد هوش مالی برای ترک دفتر کار خود هستند.

اکثر این افراد فاقد اطلاعات مالی لازم هستند بنابراین برای امنیت مالی ارزش قایل می شوند و به جای اینکه کارآفرین شوند برای کارآفرینان کار می کنند. به جای اینکه خود سرمایه شان را مدیریت کنند، مدیریت سرمایه شان را به دیگری می سپارند. و به جای افزایش هوش مالیشان، خود را به کار در دفاترشان مشغول می کنند.

نحوه برخورد ثروتمندان با مشکلات مالی

پنج نوع هوش اصلی وجود دارد که یک فرد باید در خود ایجاد کند تا ثروتمند شود که در قسمتهای بعد به آنها پرداخته می شود. اگر شخصی به این پنج هوش مسلط شده باشد به کمال مالی دست یافته است.

ثروتمندان اگر راه حل مشکلات مالی خود را ندانند درجا نمی زنند و خود را مخفی نمی کنند. آنها به دنبال کارشناسانی می گردند تا بتوانند به آنها کمک کنند تا مشکلاتشان را حل کنند. در این روند آنها هوشمند تر شده و برای مشکل بعدی مجهزتر خواهند شد. ثروتمندان تسلیم نمی شوند بلکه می آموزند و از طریق آموختن ثروتمند تر می شوند.



حل مشکلات مالی

اکثر افراد کار می کنند تا مشکلات مالی دیگر مردمان را حل کنند اما چه کسی مشکلات مالی کارگران و کارمندان را حل می کند؟

فقرا و اقشار متوسط برای ثروتمندان کار می کنند ولی از حل مشکلات مالی خود عاجزند. به جای اینکه به مشکلات مالی بعنوان فرصتهائی برای باهوش تر شدن بنگرند به خانه می روند روی صندلی می نشینند شام می خورند، تلویزیون می بینند و صبح روز بعد به محل کار می روند تا فردی را ثروتمند کنند. متاسفانه تحصیلات و سخت کوشی اگر با استفاده از هوش مالی همراه نباشد نمی تواند موجب تولید ثروت شود.

بازی با پول؟

همه آدمها چه بدانند و چه ندانند در حال انجام بازی با پول هستند. منتها شدت دخالت در بازی فرق می کند. برخی شدید تر بازی می کنند، از قوانین آگاهند و از آنها استفاده می کنند تا بیش از دیگران برای خود کار کنند. بعضی از مردم برای یادگیری و پیروزی مشتاق ترند و زمان بیشتری را به این کار اختصاص می دهند. اکثر افراد در حال بازی هستند شاید بدون اینکه بدانند دارند بازی می کنند ولی فقط برای این بازی می کنند که نیازند و برای برد بازی نمی کنند.



تفاوت هوش مالی با هوش ذهنی (IQ)

هوش مالی تنها بخشی از هوش ذهنی است که برای حل مشکلات مالی از آن استفاده می شود. ممکن است شخصی دارای هوش ذهنی بالایی باشد ولی هوش مالی پائینی داشته باشد و برعکس.

طبقه بندی هوش مالی

هوش مالی دارای طبقه بندی خاص خود به شرح زیر می باشد.

۱ - هوش کسب درآمد بیشتر

اکثر آدمها درآمد دارند ولی کسی که درآمد بیشتری داشته باشد هوش مالی بالاتری دارد.

۲ - هوش محافظت از پول

محافظت از پول در برابر آدمهایی که ممکن است با ترفند، پول شما را بدزدند و یا پرداخت هزینه هائی مانند مالیات که در صورت دانستن قوانین مربوطه ممکن است بتوانید کمتر پرداخت کنید بیانگر هوش مالی است.

۳ - هوش بودجه بندی پول

بودجه بندی پول مثل یک ثروتمند، نیازمند هوش مالی بالایی است. اگر کسی بتواند مانند ثروتمندان بودجه بندی برای پول خود داشته باشد می تواند ثروتمند شود. مثلا اگر یک نفر در سال ۱۰ میلیون تومان درآمد داشته باشد و ده میلیون تومان هم هزینه داشته باشد در مقابل کسی که ده میلیون تومان درآمد دارد و هشت میلیون تومان هزینه و دو میلیون تومان از پولهای خود را سرمایه گذاری می کند دارای هوش مالی ضعیفی است. اینکه کسی بتواند فارغ از میزان درآمد خود مبلغی از درآمد خود را پس انداز و سرمایه گذاری کند دارای هوش مالی بالایی است.

۴- هوش تقویت پول خود

بسیاری از افراد نمی دانند پس اندازه‌های خود را چگونه سرمایه گذاری کنند تا بتوانند پول خود را تقویت کنند. برخی از افراد پول خود را در بانک می گذارند و از حداقل سودی که بانک می دهد استفاده می کنند. در کشور ما غالباً سود پرداخت شده توسط بانکها از نرخ رشد تورم پائین تر است بنابراین پول در مدت زمان مشخص ارزش خود را از دست می دهد. خرید اوراق مشارکت و امثالهم هم همینطور است. اینگونه کارها نیاز به هوش مالی بالائی ندارد. ولی سرمایه گذاری به گونه ای که شما بتوانید با نرخ سودی بیشتر از نرخ تورم و حتی بالاتر پول خود را تقویت کنید نیازمند هوش مالی بالائی است. به عبارت دیگر هرچه سود بالاتری از سرمایه خودتان بتوانید کسب کنید دارای هوش مالی بالاتری هستید.

۵- هوش افزایش اطلاعات مالی خود

واگذاری کار سرمایه گذاری به دیگران مانع افزایش دانش مالی خودتان می شود. بعبارت دیگر اگر شخص دیگری پولتان را مدیریت کند نمی توانید هوش مالی خود را افزایش دهید و در اصل شما با پول خودتان به جای خود، به دیگران پاداش می دهید.

اگر این پنج هوش مالی را در خود ایجاد کنید بهتر می توانید مشکلات خود را حل کرده و هوش مالی خود را افزایش دهید.

چه کسانی به هوش مالی بیشتر نیاز دارند؟

کلیه کسانی که به هر نوعی با پول سر و کار دارند به این هوش نیاز دارند مگر اینکه کسی فرد یا افرادی را در اختیار داشته باشد که هوش مالی بالائی داشته باشند و حس کند نیازی به تقویت هوش مالی خود ندارد. یا اینکه کسی میراث هنگفتی داشته باشد یا اینکه کسی کارمند باشد و مستمری مداومی داشته باشد که باز هم هر کدام از افرادی که ذکر شد باز هم نیاز به تقویت هوش مالی خود دارند.

از دیدگاه رابرت کیوساکی افرادی که به دنبال پول هستند چهار دسته اند. کارمند(حقوق بگیر)، خویش فرما یا کسب و کارهای شخصی کوچک(وکلا، پزشکان، تعمیرکاران و..)، کارفرما(کسانی که یک کسب و کار بزرگ دارند) و سرمایه

گذاران (کسانی که با سرمایه گذاری در بازارهای مختلف پول به دست می آورند) این چهار دسته در هر صنعتی که باشند نیازمند تقویت هوش مالی خود هستند. و هر کسی که هوش مالی بالاتری داشته باشد بدون تردید درآمد بالاتری خواهد داشت.

میزان موفقیت بخصوص در دسته های سه و چهار (کارفرمایان و سرمایه گذاران) با میزان درآمدشان سنجیده می شود. پس باید هوش مالی بیشتری داشته باشند.

البته برای دسته های اول و دوم (کارمندان و خویش فرمایان) میزان موفقیت با میزان درآمدشان سنجیده نشود و آنها برای موفق نامیدن خودشان اولویتهای دیگری را معرفی کنند.

در کشور ما یکی از نقاط ضعف در سیستم آموزشی این است که در مدارس برای تقویت هوش مالی هیچ آموزشی داده نمی شود و این می تواند یکی از دلایل توسعه نیافتگی کشور باشد چرا که همه فعالین در کشور مدت زیادی را در سیستمهای آموزشی گذرانده اند.

هوش مالی کسب درآمد بیشتر

اولین درس برای افزایش هوش مالی، داشتن مهارت حل مشکل یا حل مسئله است. یعنی به جای شانه خالی کردن در برابر مشکلات آنها را حل کنیم.

دومین درس مقاومت در برابر ناکامیها و درس گرفتن از شکستها و موفقیتهای قبلی است. در این صورت است که با مواجه شدن با مشکلات و حتی شکست در برابر مشکلات چیزی به اسم تجربه که باعث تقویت هوش مالی می شود در آدم ایجاد می شود.

در این راه اگر زمان لازم برای رسیدن به هدف دو سال باشد پس از شکست و شروع در مسیر بعدی شاید شش ماه زمان برای پیروزشدن کافی باشد.

پس انسانهای قوی و توانمند می توانند از شکست برای خود پل پیروزی بسازند.

فرایند رسیدن به هدف

به بیان ساده هر مرحله از کار که برای رسیدن به مرحله بعدی باید انجام شود را فرایند می گویند. مثلا اگر یک نفر بخواهد وارد دانشگاه شود باید دوران دبستان، دبیرستان، پیش دانشگاهی، کنکور و... را طی کند. هر یک از این

مراحل یک فرایند است. حال آیا کسی بدون گذراندن دوران دبیرستان می تواند وارد دانشگاه شود؟ مسلما جوابتان منفی است. یا اینکه شما دلتان بخواهد دانشگاه بروید ولی حاضر به تحمل سختی های هر مرحله نباشید. آیا می توانید (حتی اگر دلتان بخواهد) وارد دانشگاه شوید؟ هوش مالی کسب درآمد هم همینطور است. یکی از دلایلی که مردم فاقد این هوش مالی هستند این است که پول می خواهند ولی حاضر به طی کردن مراحل رسیدن به پول نیستند. اکثر مردم درک نمی کنند که این فرایند کسب پول است که می تواند آنها را ثروتمند کند نه خود پول.

این نکته را خوب به خاطر بسپارید که این فرایند برای هر فرد با فرد دیگر متفاوت است. به همان اندازه که انسانها با هم متفاوت هستند.

و اما نکته کلیدی و طلایی این است که قبل از اینکه وارد هر فرایندی شوید، ابتدا هدف خود را تعیین کنید سپس فرایندهای رسیدن به هدفتان را. همیشه این نکته را بخاطر داشته باشید که روند رسیدن به هدف از خود هدف مهمتر است.

وارن بافت یکی از ثروتمندترین مردان دنیا می گوید ((اگر نتوانید احساسات خود را کنترل کنید نمی توانید پولتان را کنترل کنید)). نکته بسیار مهمی است. نشان می دهد هوش مالی نوعی از هوش هیجانی (EQ) یا هوش احساسی است.

یعنی اگر مدتی افسرده بودیم دست از کار نکشیم و یا وقتی سرخورده و ناامید هستیم عصبی نشویم بطوری که کنترل خود را از دست بدهیم و وقتی فشار کار و مشکلات زیاد می شود میدان را خالی نکنیم.

قبلا اشاره شد روش افزایش هوش مالی هر شخصی از طریق حل مشکلاتی است که در برابرش قرار دارد. بسیاری از افراد برای داشتن امنیت شغلی و داشتن یک حقوق ثابت یا به قول ما ایرانیها ((آب باریکه)) بیش از روند یادگیری باهوش تر شدن از لحاظ مالی و ثروتمند شدن، ارزش قائلند. بنابراین هرگز ثروتمند نمی شوند. اینگونه افراد از ترس فقیر شدن، فقیر می مانند. این ترس شدید است که آنها را از استفاده از فرصتها و حل مشکلاتی که برای ثروتمند شدن لازم است باز می دارد.

به اینگونه افراد باید گفت اگر بتوانید هوش مالی خود را افزایش دهید به جای داشتن آب باریکه ممکن است به یک

((رودخانه)) برسید.

اولین گام برای افزایش درآمد، این است که تشخیص دهید بهترین راه برای پول درآوردن برای شما چه راهی است. اگر مهندسی را بهترین راه می دانید مهندس شوید. اگر در بازار بودن را بهتر می دانید وارد بازار شوید و... و اما یک توصیه طلایی:

فردای ثروتمندانه تر را بخاطر کمی حقوق بیشتر قربانی نکنید.

کسانی که هدف خود را رها کنند پیروز نخواهند شد

یکی از بهترین خصوصیات که هر کس می تواند در خود تقویت کند این است که ((آنقدر مسیری را که برای خود در نظر می گیرد ادامه دهد تا به هدف برسد)). در هر کاری که انجام می دهید پیروز شوید این نکته را در نظر داشته باشید.

رابرت کیوساکی می گوید: پدر ثروتمندم می گفت هر وقت پیروز شدی کارت را رها کن اما هیچ وقت بخاطر اینکه داری می بازی کار را رها نکن.

ممکن است دقیقا در همان نقطه ای که حس می کنی دارید می بازید، برنده شوید. این نکته را انسانهای برنده بخوبی درک و لمس کرده اند.

چرا مردم هوش مالی خود را افزایش نمی دهند؟

یکی از دلایلی که مردم هوش مالی خود را افزایش نمی دهند این است که فقط به چیزهایی که می دانند می چسبند. و به جای اینکه خود را در مواجهه با چالشی جدید قرار دهند به دنبال کارهای بی خطری که می شناسند می روند. البته این به این معنی نیست که کارهای پر ریسک انجام دهید بلکه بهتر است کارهای متفاوت از آنچه می دانید انجام دهید.

یک راه برای افزایش هوش مالی این است که ((به زندگی مثل یک ماجراجوئی آموزنده نگاه کنید)). فراموش نکنید که زندگی کردن را باید آموخت و برای آموختن باید ماجراجوئی کرد.

ماجراجوئی کردن هم نیازمند داشتن و بدست آوردن مهارتهایی است که در حین ماجراجوئی بدست می آورید. بدست آوردن این مهارتها منجر به ایجاد انواع دیگری از هوش در شما می شود که یکی از آنها می تواند هوش مالی

باشد.

آنچه همه ما از هوش می شناسیم به خاطر سپردن و پرهیز از اشتباه است در حالیکه هوش واقعی یادگیری فرایند حل مسئله است تا شایسته حل مشکلات بزرگتری شویم.

هوش مالی بیشتر پول درآوردن

همانطور که قبلا گفته شد اکثر افراد در یکی از چهار حوزه کارمندی (حقوق بگیری)، خویش فرمائی، سرمایه گذاری و کارفرمائی درآمد دارند. تفاوت این نوع افراد در نوع نگرش و هوش مالیشان است. به این صورت که کارمندان و خویش فرمایان برای حقوق ثابت یا دستمزد ساعتی کار می کنند ولی سرمایه گذاران و کارفرمایان برای افزایش دارائی شان کار می کنند که یا موجب ایجاد گردش مالی می شود یا باعث افزایش سرمایه.

دو قشر اول یعنی کارمندان و خویش فرمایان درآمدهای بستیگی به کاری که انجام می دهند دارد و اگر کاری انجام ندهند درآمدی نخواهند داشت و یا درآمدهای کاهش خواهد یافت. طبق تعریف، شغل، دارائی محسوب نمی شود. و قسمت بد برای این دو قشر این است که این درآمدهایشان برایشان تولید ثروت نمی کند چون درآمد آنها معمولا کفاف اینک به دارائی تبدیل شود را نمی دهد و آنچه که تولید ثروت می کند دارائی است. این دارائی ها هستند که باعث می شوند چه شما کار کنید و چه کار نکنید پول به زندگی شما وارد شود. و دو قشر دوم یعنی سرمایه گذاران و کارفرمایان با دانستن این واقعیت ثروت بدست می آورند.

یکی از دلایلی که ثروتمندان ثروتمند تر می شوند این است که آنها هدفگذاریشان بر بدست آوردن دارائی بیشتر متمرکز شده است.

نکته طلایی این است که:

افزودن دارائی های بیشتر نیازمند صرف کار سخت تر یا طولانی مدت تر نیست. در واقع هر چه هوش مالی فرد بالاتر باشد کار کمتری را انجام می دهد در حالیکه دارائی های بیشتر و با کیفیت بهتر بدست می آورد. بعبارت دیگر دارائی ها از طریق تولید درآمد پنهان برای ثروتمندان کار می کنند.

ثروتمندان برای آینده پول پس انداز نمی کنند، بلکه دارائی ایجاد می کنند. اگر یک ثروتمند ورشکسته شود یا ضرر کند در مدت زمان کوتاهی از دوران قبلی خود نیز پیشی می گیرد. دلیل آن را هم بارها گفته ایم و آن یک چیز است:

دارائی حقیقی ثروتمندان هوش مالیشان است.

آنها یاد گرفته اند که تمرکز خود را به جای بدست آوردن پول بر روی یادگیری بگذارند. آموخته اند که سرمایه شان را خودشان مدیریت کنند. آنها ارزش دارائی های خودشان را خوب می دانند.

روشهای بسیار زیادی برای بیشتر پول درآوردن وجود دارد چون مشکلات بسیار زیادی وجود دارد که باید حل شوند. هر کسی که بتواند مشکلات بیشتری را حل کند ثروتمند تر خواهد شد.

بسیاری از مردم علاقه ای به حل هیچ مشکلی ندارند و می خواهند بخاطر کاری که نمی کنند پول بگیرند. آنهایی که می خواهند در ازای کار کمتر پول بیشتری بگیرند با تغییرات سریعی که در دنیا اتفاق می افتد زندگیشان سخت تر خواهد شد. به زودی با توجه به تحولاتی که در کشور خودمان ایران اتفاق افتاده و همچنین تحولات و بحرانهای اقتصادی و سیاسی در دنیا، عرصه بر کسانی که درآمد ثابت دارند و هیچ تلاشی برای ایجاد درآمدهای غیر فعال انجام نمی دهند سخت خواهد شد. یک سرمایه دار حقیقی خیلی ساده کسی است که مشکلی را تشخیص می دهد و محصول یا خدماتی را به وجود می آورد که آن مشکل را حل کند.

حال هرچه محصول یا خدمات تولیدی از نظر مشتری دارای ارزش بالاتری باشد قیمت بالاتری دارد.

هوش مالی محافظت از پول خود

محافظت از پول در برابر غارتگران مالی بسیار مهم است. بسیاری از افراد یا سازمانها منتظر فرصت هستند که با پول شما به خودشان کمک کنند. بسیاری از آنها باهوش و قدرتمند هستند. اگر هوش و قدرت آنها از شما بیشتر باشد آنها پولتان را تصاحب خواهند کرد. به همین دلیل داشتن هوش بالای محافظت از پول بسیار مهم است.

هوش مالی چگونه اندازه گیری می شود؟

هوش مالی کسب درآمد بیشتر با درآمد ناخالص اندازه گیری می شود. مثلاً اگر شما ماهیانه بصورت ناخالص پنج میلیون تومان درآمد داشته باشید هوش مالی کسب درآمدها از کسی که ماهیانه سه میلیون تومان درآمد دارند بیشتر است. هوش مالی محافظت از پول نیز به نوعی به همین ترتیب ولی با درصد اندازه گیری می شود. مثلاً اگر شما در سال ۲۰ میلیون تومان درآمد داشته باشید ولی مالیات و یا هزینه ای بابت درآمدها پرداخت نکنید (با استفاده از دانش مالی) هوش مالی محافظت از پولتان از کسی که مانند شما درآمد داشته و ۲۰ درصد از آن را بابت مالیات و دیگر هزینه های کسب درآمد پرداخت می کند بیشتر است و هوش مالی محافظت از پول این شخص از شخصی که ۳۰ درصد از درآمد خود را بابت هزینه کسب درآمد پرداخت می کند بیشتر است و به همین ترتیب به عبارت دیگر هوش مالی محافظت از پول، را با درصدی از درآمد اندازه گیری می کنند.

یکی از ابزارهایی که هزینه هائی را به درآمد تحمیل می کند پرداخت مالیات است. پرداخت مالیات هزینه زندگی در جامعه متمدن است ولی راهکارهایی وجود دارد (با استفاده از هوش مالی) که بتوان پرداخت مالیات را کاهش داد. این راهکارها را کارشناسان مالیاتی و کسانی که بدلیل درگیر شدن در کار، هوش مالیشان افزایش یافته و یا کسانی که مشاورین خبره دارند بخوبی می دانند.

نکته منفی در بحث پرداخت مالیات این است که افرادی که کمترین درآمدها را دارند بیشترین درصد مالیات را پرداخت می کنند. بعنوان مثال در کشور خودمان، این کارمندان و یا بعبارت دیگر قشر حقوق بگیر هستند که بهترین مشتریان اداره دارائی هستند و قبل از اینکه حقوق خود را دریافت کنند مالیات خود را می پردازند و کسانی که بصورت کارفرمائی یا سرمایه گذاری درآمد دارند معمولاً با استفاده از هوش مالی از پرداخت مالیات واقعی ظفره می روند.

سازمانهای دیگری که بطور قانونی هزینه هائی را بر درآمدهای مردم تحمیل می کنند بانکها هستند. بانکها پول شما را با درصد پرداخت سود مشخص می گیرند و خود با استفاده از هوش مالی سودی شاید چند برابر آنچه به شما می دهند خود بر می دارند و چنانچه کسی برای حل مشکل خود برای وام مراجعه کنند بصورت اسمی با نرخ بهره مشخص و در عمل چند درصد بیشتر از نرخ بهره اسمی (در پرداخت اقساط فرد هم از اصل و هم از سود پول پرداخت می کند) پول خود را پس می گیرند. دلیل آن هم نداشتن هوش مالی اکثر قریب به اتفاق مردم در نحوه



محاسبه پرداخت اقساط و محاسبه سود موثراست. این نکته در پرداخت سود اوراق مشارکت هم مشهود است به این صورت که چنانچه کسی قبل از موعد بخواهد پول خود را دریافت کند سودی که به فرد می دهند معمولا کمتر از سود اعلامی به مشتری پرداخت می کنند .

افراد دیگری که بصورت قانونی باعث ایجاد هزینه در درآمدها می شوند دلالتها هستند. معمولا این افراد واسطه یک معامله بین خریدار و فروشنده هستند و درصدی از سود طرفین را به خود اختصاص می دهند. البته درقشر دلالتان بندرت دلالتهای خوب نیز وجود دارند که باعث می شوند شما ثروتمند تر شوید. اینگونه دلالتان فقط به منافع خود فکر نمی کنند و منافع مشتریان را هم در نظر دارند. بسیاری از دلالتان خودشان حاضر به خرید و یا سرمایه گذاری در آنچه که به شما پیشنهاد می کنند نیستند چون خودشان اعتقادی به آن سرمایه گذاری ندارند و فقط برای رسیدن به کمیسیون خود می خواهند به شما بفروشند و حتی ممکن است شما را دچار مشکل کنند. بطور کلی دلالتان به دو دسته خوب و بد تقسیم می شوند. دلالتان بد فقط به منافع خود فکر می کنند و دلالتان خوب هم به منافع خود فکر می کنند و هم به منافع شما.

با این اوصاف اگر هوش مالی خوبی داشته باشید قاتلان سرمایه کمترین درصد از سرمایه تان را می بلعند و اگر هوش مالی خوبی نداشته باشید فقط سه راه دارید. یاد بگیرید. یاد بگیرید. یاد بگیرید.

